

اخبار

مقلب یا قربانی قلب؟

وقتی دربارهٔ دی‌ه‌گو مارادونا با انگلیسی‌ها صحبت کنید، ابتدا بفاصله کلمه قلب را پیش می‌کشند و به این ترتیب می‌خواهند که کل دوران فوتبال او را زیر سوال ببرند. هر چه باشد، او در جام جهانی ۱۹۸۶ با دست به انگلیس گل زد. تردیدی هم درباره این گل نیست. او دست به کاری مخالف قوانین زد، کاری که بسیاری از بازیکنان فوتبال انجامش داده‌اند. اما خود انگلیسی‌ها خیلی منزه نیستند. جک چارلتون هم در نیمه‌نهایی جام جهانی ۱۹۶۶ برابر پرتغال، توپ را با دست زد و مانع رفتن آن به سمت دروازه تیمش شد.
مارتین پیترز هم اعتراف کرد که مقابل لهستان در سال ۱۹۷۳، شیرچه زده و داور را برای گرفتن پنالتی فریب داده‌است. پل اسکولز هم با دستش برای انگلیس گل زده است. اما وقتی از این بازیکنان صحبت می‌کنید، کسی حرف تقلب را مطرح نمی‌کند. چیزی که باعث می‌شود این موضوع بدتر هم باشد این است که شاید مارادونا از جهت این‌که بازیکنان پنالتی فریب داده‌است، پل اسکولز هم در دنیا اول باشد. از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰، میانگین مسافت طی‌شده از سوی بازیکنان سطح اول فوتبال دنیا در یک بازی، دو برابر شد، و اواخر دوران بازی او، خبری از افزایش سطح مراقبت داوران از بازیکنان نبود. مارادونا هر بار که به زمین می‌رفت، با خطاهای خشن بازیکنان حریف روبرو می‌شد. در بازی با انگلیس در سال ۱۹۶۶، او را در همه جای زمین زدند، و با آرنج هم به او ضربه زدند. اکثر ما، اگر در چنین شرایطی قرار بگیریم و دست همه رویمان خطا شود، مشکلی با گل‌زنی با دست نخواهیم داشت. مارادونا در جام جهانی ۱۹۹۴ به دلیل تست دوپینگ از رقابت‌ها کنار گذاشته شد. تردیدی نیست که او قوانین را زیر پا گذاشت و باید جریمه می‌شد. اما در زمینه دوپینگ، مصرف افدرین خطای کوچکی است، و برای مثال قابل قیاس با مصرف استروئیدیهای آنابولیک نیست. این اتفاق در آخر دوران بازی او روی داد، زمانی که دیگر آمادگی لازم برای بازی در جام جهانی را نداشت. اما ازآرتتین در مرحله مقدماتی دچار مشکل شده و مقابل کلمبیا در خانه با نتیجه پنج بر صفر باخته بود.
انها از مارادونا تقاضا کردند که به تیم ملی برگردد، و او نمی‌توانست که بگوید. او از راه میابترنی استفاده کرد تا ورزش را تم کند، و فیفا به این نتیجه رسید که مارادونا خبر نداشته که مانده‌ای که مصرف کرده غیرمجاز بوده‌است. شاید هم مساله فقط این بوده که پزشک شخصی او دارویی را از درواخانه خرید که حاوی مواد غیرمجاز بوده است. البته طبق مقررات، خود ورزشکار مسئول این است که چه موادی را مصرف می‌کند. اما هیچ مدرکی وجود ندارد، و هیچ دلیلی هم ندارد که او در زمانی که در اوج حیره‌کننده‌اش بود، از مواد نیروزا استفاده کرده باشد. اما کواکاین چطور؟ زمانی که مارادونا یک برنامه تلویزیونی داشت، یک بار با خودش مصاحبه کرد. یکی از سوالات مطرح‌شده این بود که از چه چیزی پشتیبان است، و او گفت که یکی از بزرگ‌ترین پشتیبانی‌هایش به‌اعتیادش به کواکاین برمی‌گردد. او این را خیانت به عشقش، فوتبال می‌دانت. این حرف که او برای بهبود عملکردش در زمین کواکاین مصرف می‌کرده، کاملا مضحک است. بسیار عجیب است که مواد مخدر را در زمره مواد نیروزا قرار می‌دهند، و آنهایی که نیاز به کمک دارند را کنار افرادی که به دنبال کمک غیرمجاز هستند نمی‌گذارند.
اعتیاد مارادونا به کواکاین تا حدی به دلیل این بود که او محدودیت‌های معمول مردم دارد که او می‌خواست که دردبشن را تسکین دهد؛ دردی که به دلیل ضربات متعدد بازیکنان حریف بود. او شاید می‌خواست به‌دشن را فریب بدهد تا بتواند به روال معمول وارد زمین بازی شود. این را به خاطر داشته باشیم که مارکو فان‌باستن به دلیل درد هم پایش مجبور شد به شکلی زود هنگام فوتبال را کنار بگذارد. مارادونا تا این حد شکننده نبود، اما بهای بالایی برای این پرداخت.

روزنامه پرتغالی خبر داد:

احتمال دارد کی‌روش پیشنهاد اربان قطر را قبول کند
یک روزنامه پرتغالی اعلام کرد احتمال دارد کارلوس کی‌روش پیشنهاد سرمربیگری تیم فوتبال اربان قطر را قبول کند. روز گذشته بود که فوتبال روزنامه نگار شافل در رسانه‌های پرتغالی خبر داد تیم اربان قطر به دنبال سرمربی جدید است و یکی از گزینه‌های مدنظر این باشگاه، کارلوس کی روش سرمربی سابق تیم‌های ملی فوتبال ایران و کلمبیا است. این خبر امروز در رسانه‌های قطر هم بازتاب داشت و دو روزنامه معتبر پرتغالی هم به آن پرداخته‌اند. روزنامه «ojogo» در این ارتباط نوشت:«کارلوس کی روش بعد از ترک کلمبیا در حال حاضر پیشنهادی در دست دارد. کی روش که به تازگی نیمکت تیم کلمبیا را ترک کرده است، تنها چند روز بعد از بیکار شدن، پیشنهادی از تیم اربان قطر دریافت کرده است. این مربی باتجربه پرتغالی نام مدنظر تیم خاورمیانه‌ای است که یاسین براهمی بازیکن سابق تیم پورتو را در ترکیب خود دارد و در حال حاضر در رده پنجم لیگ قطر قرار گرفته است.این احتمال وجود دارد که کی روش پیشنهاد و دعوت اربان را قبول کند و به فوتبال آسیا بازگردد، جایی که او قبلاً علاوه بر تیم ناگویا ژاپن در تیم‌های ملی امارات و ایران کار کرده است.» همچنین روزنامه «کورد» که از نقاط نزدیکی به کی روش دارد، در این خصوص نوشت: «اربان چند روز بعد از جدایی کی روش از کلمبیا انتخاب او را بررسی کرد. این باشگاه قطری اخیراً سعی در جذب آبل فریرا داشت که با مخالفت رئیس باشگاه پالمیراس مواجه شد.»شجاع خلیل زاده مدافع سابق پرسپولیس در حال حاضر در تیم اربان قطر بازی می‌کند و حضور کی روش در این تیم می‌تواند برای هواداران فوتبال ایران و پرسپولیس جالب توجه باشد. خلیل زاده در حالی که برای اولین بار توسط کی روش به اردوی ملی ملی دعوت شد، در ادامه مورد غضب این مربی قرار گرفت و تا پایان حضور کی روش در ایران تیم ملی برای او ممنوع شد.

سه شکست در ده بازی نخست فصل در لالیگا، بازی های بی برنامه و دور از انتظار و نمایش ضعیف در دور گروهی چمپیونز لیگ تردیدها را در خصوص مسیری که رئال در آن قرار دارد افزایش داده است. روزنامه های اسپانیایی طبق سنت همیشگی در چنین وضعیتی با اجرای همه پرسى های جنگجالی و خبرهای ضد و نقیض آتش بیار معرکه اند و آنانی که حافظه تاریخی بلند مدت تری دارند نگران اتخاذ تصمیمی عجولانه هستند که در امروز و این فصل که فراداهای رئال را تحت الشعاع قرار دهد.

بررسی دقیق تر وضعیت رئال و بازخوانی تاریخی مسیری که رئال پیموده نشان می دهد که افت امروز رئال مادرید نه از امروز و دیروز- که از فردای دوگانه شوگمند در فصل ۲۰۱۶-۲۰۱۷ شروع شد. رئال پس از فتح دو گانه لالیگا- چمپیونزلیگ که اگر هنرنمایی دنیلو نبود می توانست نخستین سه گانه تاریخی این تیم باشد به غایت شبیه امپراطوری هایی بود که در اوج بزرگی خود رسیده بود. نقطه ای که در آن تجربه تجزیه میش از هر زمانی در مرزهای تیم پرسه می زند. کما اینکه بسیاری از ستاره هایی که در آن تیم گزیده چندم تعویض بودن این شانس را داشتند که هزینه های ثابت تیم های خوب دیگر اروپا باشند. موراتا بعد از رئال پیراهن شماره نه چلسی، انتلیکو مادرید و یوهه و پوشیدا، دنیلو رهسپار سیتی و یوونتوس شد، خامس در اورتون می درخشد و چلسی حاضر شد برای کوچایچ ۵۰ میلیون پورو هزینه کند.

در آن فصل رئال مادرید نه تنها موفق ترین تیم اروپا بود بلکه بهترین تیم از نظر ارائه فوتبال هم بود. نمایش خیره کننده این تیم در فینال مقابل یوونتوس قدرتمند و زدن چهار گل به تیمی که در کل تورنمنت تنها ۳ گل خورده بود و ۱۸۰ دقیقه در مقابل سیتی، نیمار و سوارز دروازه اش را بسته نگه داشته بود موید قدرت آن تیم بود. رسیدن به آن اوج و دست یافتن به آن قله اما به شکلی همزمان با نفس های آخر نسلی بود که بخشی از آن در دوران مدیریت کالدرون و بخشی دیگر در آغاز کپشکسانی های دو شکل گرفته بودند. راموس، مارسلو و دنی کارواخال در خط دفاعی، مودریچ و کروس در میانه میدان و مثلث بی بی سی در خط حمله همگی به نسلی به سال های پایانی خود نزدیک می شدند. خشنکی ساق های پاره ای و شایع ذهن بعضی دیگر خطری بود که رئال مادرید را در بلندترین قله اروپا تهدید می کرد و در این لحظه کار خطیر مدیریت رئال پیش

رومن ابراموویچ در چلسی چیزی شبیه قصه‌های هزار و یک شب درست کرده است. از روزی که مالکیت چلسی را عهده‌دار شد تا الان ۱۷ سال می‌گذرد. او حالا هزار و یک بازی است که به عنوان مالک باشگاه چلسی فعالیت می‌کند و از سال ۲۰۰۳ تاکنون بیش از ۲ میلیارد پوند در این باشگاه هزینه کرده است. این مالک متمول روس بیش از یک تیم فوتبال مربی عوض کرده و ۱۲ مربی را تا الان به کار گرفته است. مربیانی که هرکدام در ۱۶ جام کسب شده که مهم‌ترین آنها ۵ قهرمانی لیگ برتر، لیگ قهرمانان اروپا و لیگ اروپا بوده به اندازه خود نقش مؤثری داشتند.

کلودیو رانیری

وقتی ابراموویچ به چلسی آمد در ابتدا کلودیو رانیری را برای نیمکت تیمش حفظ کرد. به هرحال از سال ۲۰۰۰ هدایت چلسی را برعهده داشت و توانست در آخرین فصل حضورش چلسی را به جمع چهار تیم برتر اروپا برساند. این برای رومن کافی نبود چون قصد داشت مربی دلخواه خودش را بیاورد.

ژوزه مورینیو

بعد از قطع همکاری با کلودیو رانیری پروژه ابراموویچ در چلسی

ژوئن ۲۰۰۴ با مورینیو شکل گرفت و تا دسامبر ۲۰۰۷ ادامه داشت. مورینیو بار دوم در سال ۲۰۱۳ به چلسی آمد و دو سال در لندن مربیگری کرد. قهرمانی در لیگ برتر کادوی همیشگی مورینیو به هواداران چلسی بود. او بار نخست مدال قهرمانی‌اش را به سمت هواداران برتاب کرد. مسئولان اتحادیه فوتبال انگلیس مدال مردم را به او دادند اما آقای خاص آن مدال را هم به هواداران هدیه کرد. ۳ قهرمانی در لیگ برتر توسط مورینیو به دست آمد و هزارمین بازی ابراموویچ هم مقابل تاتنهام آقای خاص بود.

کارلو آنچلوتی

در جولای ۲۰۰۹ کارلو ایتالیایی به لندن آمد و می ۲۰۱۱ هم رفت. او جزو مربیانی بود که در اولین فصل حضورش توانست با قهرمانی در لیگ و جام‌حذفی دبل کند. آنچلوتی از چلسی به پارس‌ژرمن، رئال و بایرن رفت و جام‌های متعددی را برد. خیلی‌ها می‌روند مشخص شوند اما آنها با این روندی که دارند، شاید یک قرعه‌کشی دیگری نیاز داشته باشند تا افرادی را پیدا کنند که نیمکت ذخیره‌هایشان را پر کنند. تعجبی ندارد که یورگن کلوپ در هفته‌های اخیر، کنار زمین مانند خرسی راه می‌رود که سرش زخم شده است. گاهی بدبختی می‌بارد و گاهی هم بدبختی به صورت گریب‌ری تند است. گاهی هم سیل می‌آید. حالا لیورپول ۹ بازیکنش را مصدوم می‌بینند و الیسون بکر هم به جمع آنها اضافه شده است. این دروازه‌بان برد یک بر صفر مقابل آژاکس در لیگ قهرمانان را از دست داد، چرا که در بازی با براینون آنسب دیده بود. کلوپ گفته این دروازه‌بان برزیلی ده تا چهارده روز غایب خواهد بود، خوب، این یعنی دروازه‌بان، مدافع راست و هر دو مدافع میانی اصلی تیم نیستند. کاپیتان دوم تیم دچار مصدومیت همسترینگ شده. هافبک ۵۰ میلیون پوندی تیم هم مینطور.

یورگن کلوپ در جریان بازی با بایرن میمن

بدشانس است. اگر کلوپ یک اسکانس پنج پوندی را به هوا بیندازد، وقتی به زمین برسد تبدیل به قبض تیرمش شده است. با این حال کلوپ از عملکرد جیمس مقابل آژاکس راضی بود: «راستش را بگویم، از وقتی که در لیورپول بوده‌ام، این یکی از بزرگ‌ترین شب‌های لیگ قهرمانان بود. با در نظر رابرتسون هم انگار مشکل منج با دارد. کلوپ گفته جوردن هندرسون هم مصدوم است. این تیم چقدر

روزنامه‌های ایران

تاریخ یک جنایت، نگاهی به وضعیت رئال مادرید



ببینی درست آینده، جانشین کردن گزینه های بی انگیزه و تمام شده و حفظ المان های هویتی تیم بود.کاری که در غیاب ذهن های منسجم فوتبالی در نزد فلوتیتینو پرز نه تنها انجام نشد که کاملا برعکس با فروش پیپه و ناتوایی در حفظ رونالدو و اعتماد به امثال بیل به بدترین شکل ممکن پیش رفت و بخش مهمی از وضعیت امروز را رقم زد.

در واقع فلورنتینو پرز با کارت های فراوانی که در آن تابستان در دست داشته به بدترین شکل ممکن بازی کرد. علی رغم اینکه در مساله فروش رونالدو نمی توان همه تقصیرها را متوجه او دانست چه رونالدو خود نیز تمایل به خروج داشت، اما در مقام انتقاد نیز می توان این سوال طرح کرد که مدیران رئال برای حفظ ابرستاره خود چه تلاشی کردند؟ پرز برای حفظ اسطوره تاریخی خود چه کوششی کرد؟ در اینجا جملاتی نظیر باشگاه بزرگ تر از بازیکن است نیز بیشتر به نظر بازی با کلمات و رفع تکلیف می آید چه در تابستان جاری دیدیم که مدیران رغیب بازی حفظ اجباری مسی از هیچ کوششی فرو گذاری نکردند. در همین زمان رئال به صورت موازی با پروژه اصلی خود یعنی ساخت استادیوم جدید و کپشکسانی های سه با امپایه و احتمالاً هالند پروژه کوچکی را با خرید استعدادهای جوان کلید زد که اتفاقاتی نظیر مصدومیت مهره های اصلی تیم نظیر هازارد مدیریت این استعدادها را به مشکلی غامض برای ریدان تبدیل کرد. چرا که فشار خرد کننده در رئال مادرید اجازه بالیدن به این نهال های جوان را به سختی می دهد و اساسا استعدادهای جوان برای رشد نیازمند محیطی کنترل شده هستند در حال آنکه همه چیز در این فصل رئال خارج از

کنترل بوده است.

در کنار ندانم کاری ها و ناتوانی مدیران رئال در پیش بینی درست آینده شانس نیز نقش بسزایی در پدیدار شدن وضعیت فعلی این تیم دارد. کمالاتنگه گفته می شود مثلا یکی از دلایل امضای قرارداد با هازارد و ارجحیت او بر نیمار مصدومیت های کمتر او نسبت به فوق ستاره برزیلی بود. هازاردی که در فصل آخر خود در لیگ فیزیکی انگلستان ۳۷ بار برای چلسی به میدان رفت در کمتر از فصل حضور در رئال مادرید بیش از ۴۰ بازی را از دست داده. در نتیجه تنها یکی از بازیکنان که نسبت به ترکیب دو فصل پیش رئال توان ایجاد تغییر در تیم را دارد عملا در اختیار مربیان تیم نیست که ضربه ای مهلک بر پیکره تیم است. مصدومیت های عجیب در کلیدی ترین پست ها و مهم ترین بازیکنان در هر خط، ابتلا به ویروس کرونا و این اواخر پنالتی های احمقانه و اشتباهات احمقانه تر نوبتی بازیکنان همه و همه گره حوالی رئال در این فصل را کورتز کرده است.آن هم در حالی که این تیم با ترکیب ضد در صدی خود در این فصل وضعیت به مراتب بهتری می توانست داشته باشد.

در حالیکه وضعیت فعلی رئال برای طرفداران این تیم نگران کننده است اما به زعم من اخبار مربوط به پوچتینو و راؤل به مراتب ترسناک تر از وضعیت فعلی تیم است. زیدان در کنار همه ضعف های فنی در رئال مادرید حکم وزیري خردمند برای پادشاهی خودگامه را دارد که از او حرف شنوی دارد. بررسی رفتار مدیریت پرز در دوره خود نشان می دهد که فلورنتینو بیش از هر کسی از دو نام بزرگ حرف شنوی تام داشته و دارد: اولی

می‌گویند رومن در اخراج کارلتو کمی تعجیل کرد.

آنتونیو کونته

جولای ۲۰۱۶ به تیم آمد و ۲ سال بعد دقیقاً جولای ۲۰۱۸ از چلسی جدا شد. فصل اول دن آنتونینو عین آنچلوتی با قهرمانی در لیگ و جام‌حذفی همراه بود اما نتایج ضعیف در سال دوم باعث شد پرونده رومن و کونته به جدای بینجامد.

روبرتو دی‌متشو

نتایج ضعیف آندره ویلاش بوآش باعث شد باشگاه در مارس ۲۰۱۲ با دی متشو به توافق برسد. هیچ‌سک فکرش را نمی‌کرد اولین و آخرین قهرمانی چلسی در لیگ قهرمانان به دست این مربی جوان به دست بیاید. دی متشو خیلی زود دل مالک چلسی را زد و در ماه نوامبر از سمتش برکنار شد.

گاس هیدینک

هر زمان که مالک چلسی به بن‌بست می‌خورد از گاس هیدینک به عنوان مربی موقت استفاده می‌کرد. او یک‌بار سال ۲۰۰۹ جای اسکولاری آمد و تیم را قهرمان جام‌حذفی کرد و سال دوم هم ۲۰۱۵ بود که تیم را شانزدهم جدول از مورینیو تحویل گرفت و درنهایت به رتبه دهم جدول رساند.

رافائل بنیتس

رافا که به خاطر حضور در لیورپول باب میل هواداران نبود به واسطه رابطه خوب با آنچلوتی در نوامبر ۲۰۱۲ جای دی متشو به عنوان مربی موقت آمد. او بدون توجه به صدای اعتراضات موفق شد تیم را به رتبه سوم جدول برساند و قهرمانی در لیگ اروپا را به هواداران هدیه دهد تا پایانی خوش برای هفت ماه حضور روی نیمکت چلسی رقم بزند.

آندره ویلاش بوآش

قرار بود مثل مورینیو نسل موفق دیگری را برای چلسی بسازد اما دستیار آقای خاص هیچ شباهتی به او نداشت. نیمکت چلسی برای آندره به حدی بزرگ بود که ژوئن ۲۰۱۱ شروع پروژه‌اش بود و خیلی زود در مارس ۲۰۱۲ از کار برکنار شد.

فهرست طولانی ملصودمان لیورپول؛ لبخند کلوپ

افتخار می‌کنم.» تیم او برای چهارمین فصل پیاپی به مرحله حذفی لیگ قهرمانان رسیده است. آنها در گروه‌شان اول شدند، آن هم در حالی که یک بازی دیگر مانده است. کلوپ در بازی با منچسترداند در دانمارک حتی می‌تواند به خودش هم بازی بدهد و دیگر خیالش از بابت آن دیدار آسوده خواهد بود. همچنین، بازی برابر آژاکس نشان داد که بازیکنان جوان‌تر او آماده درخشش هستند. این بازی شوی شگفت‌انگیز را برای آکادمی لیورپول رقم زد و سه فارغ‌التحصیل این آکادمی خوش درخشیدند. کرتیس جونز عملکرد عالی‌اش را با زدن تنها گل بازی جشن گرفت. این هافبک ۱۹ساله پتانسیل بسیار بالایی دارد. پاس گل او را نکو ویلیامز، دیگر بازیکن نوجوان لیورپول روی داد. سانتر ویلیامز، آندره اوانا، دروازه‌بان آژاکس اشتباه کرد و به جونز اجازه داد که گل بزند. ویلیامز مانند جونز از تیم زیر ۱۹ساله‌ها همراه لیورپول بوده است. او که بازیکنی ملی می‌ولز است، نوزدهمین بازی‌اش برای تیم اصلی لیورپول را تجربه می‌کرد و بی‌تردید بهترین آنها را. اوضاع او در این فصل خیلی خوب نبوده است اما او مقابل آژاکس در سطح لیورپول بازی کرد. کلوپ گفت: «او حتی می‌تواند بهتر هم باشد.» فرد دیگری که در حد این بازی ظاهر شد، کانویمیند کلهر، دروازه‌بان لیورپول بود که به شکلی ناباورانه جانشین الیسون در دروازه شده بود. این دروازه‌بان ۲۲ساله ایرلندی حتی یک بازی هم در لیگ برتر انجام نداده و این پنجمین دیدار

ژوزه مورینیو و دومی زیرو. کما اینکه اگر فلورنتینو را درست بشناسیم می‌دانیم که پرداخت رقمی نزدیک ۵۰ میلیون برای مندی و گذر از رگیلون اسپانیایی، یا ترجیح هازارد نسبت به نیمار ابدی نمی‌تواند تصمیم خودش باشد و این مسئله فوق‌العاده مهم است. چرا که زیدان می‌تواند همان عقلانیت استراتژیک نداشته پرز باشد و با درک بیشتری که از فوتبال دارد از رخداد فجایعی نظیر تابستان ۲۰۱۷ جلوگیری کند. در واقع مساله همان عقلانیت استراتژیکی است که باید در تصمیمات باشد و در غیاب زیرو نخواهد بود.

مصاحبه های پرز و زیدان در خصوص تکمیل بودن تیم در اوایل فصل علی رغم اینکه سوهان روح هواداران رئال دراین روزها شده اما نشان از توافقی در طرف در خصوص برنامه های بلندمدت باشگاه است هر دو طرف نسبت به ضعف های تیم آگاه اند و هر دو به برنامه های بلندمدت تیم ایمان دارند. برنامه بزرگ رئال آوردن فوق ستاره هایی نظیر امپایه و هالند و تماشای درخشش آنها در برنابئوی جدید است. اتفاقی که می‌توانش از ان به عنوان جهش بلند رئال یاد کرد که نیازمند چندگامی به عقب است. اکنون اگر قرار باشد هر کدام از طرفین زیر این تعهد بزند و این عقب‌گرد را خطا یا اشتباه محاسباتی است و چیزی بیش از یک تمنا یا اشتباه محاسباتی است و یک بدنامی ابدی تاریخی است. چه زیدان با آگاهی از وضعیت تیم در تعهدی عاطفی و اخلاقی به تیم محبوبش بازگشت و پرز را نجات داد، بارها و بارها برخلاف رویه جاری مربیانی نظیر مورینیو به جای گرفتن انگشت اتهام به سمت بازیکنان خود می‌تواند از شدت غم و اندوه ناگهانی که با شنیدن خبر از دست رفتن دیگو به او وارد می‌شود بکاهد. کارلوس بیلااردو که این روزها ۸۲ساله است از چند سال پیش به بیماری سندروم آستام آدامز یا هیدروسنفالی مبتلا است و به صورت دائمی تحت نظر قرار داشته و مراقبت‌های پزشکی دریافت می‌کند. روزنامه اوله می‌گوید خانواده کارلوس برای جلوگیری از ناراحتی شدید او از خبر درگذشت دیگو چهارشنبه هفته گذشته تصمیم می‌گیرند تلویزیون او را قطع کنند. خانواده به بیلااردو می‌گویند کابل آنتن تلویزیون مشکل پیدا کرده است. اوله در گزارش خود می‌گوید بیلااردو در حال حاضر کند مشغول تماشای سریالی درباره پابلو اسکوبار از تفلیکس است. خورخه بیلااردو در این باره به اوله گفت: «کارلوس حالش خوب است و دارد یک جان سالم به در برده. یک پیروزی در سانچیز پیسخوان و یک پیروزی در مقابل گلابداج رئال را به زندگی بر می‌گرداند.»

سوریا کارناسال آل چریندگیتو گوشه رینگ بود و لوپیتگی آنها را به زندگی برگرداند. امسال دوباره کم نفس تر از قبل در همان نقطه رینگ رسیده به سوپا. طرفداران رئال امیدوارند سوپا دوباره آنها را به زندگی برگرداند. زیدان پیشتر نیز در چنین محرمه‌هایی بوده و هر بار جان سالم به در برده. یک پیروزی در سانچیز پیسخوان و یک پیروزی در مقابل گلابداج رئال را به زندگی بر می‌گرداند.

قصه های هزار و یک شب آبراموویچ در چلسی



یک مربی برزیلی که در جولای ۲۰۱۸ آمد و فوریه ۲۰۱۹ هم در سرمای لندن به سمت ریودوژانیرو پرواز کرد. اسکولاری اولین مربی قهرمان جام جهانی بود که به جزیره آمد اما هرگز نتوانست با فوتبال جزیره هماهنگ شود و با ساختارش کنار بیاید.

آوارام گرات

دوست صمیمی ابراموویچ و مدیرفنی زمان مربیگری مورینیو در سپتامبر ۲۰۰۷ هدایت چلسی را عهده‌دار شد. او هم در لیگ در هم در لیگ قهرمانان اروپا تا یک قدمی قهرمانی رفت اما خودی این جام‌ها به منجستریونایتد الکس فرگوسن رسید. گرات هم بعدها سرمربیگری پورتمووث و وستهم را تجربه کرد.

مانوئرتسینو ساری

آخرین قربانی ابراموویچ همین مربی ایتالیایی است. او تابستان ۲۰۱۸ کارش را شروع کرد و تابستان ۲۰۱۹ با قهرمانی در جام اتحادیه و لیگ اروپا صندلی خود را تحویل مربی بعدی داد. جنس ساری و ابراموویچ باهم جور درنی‌آمد.

فرائک لمبارد

فرائکی لندنی‌ها از تابستان سال گذشته مورد اعتماد رومن واقع شد و با پنجره‌های بسته، خوب تیم را مدیریت کرد. دوازدهمین مربی ابراموویچ اما امسال با توجه به خریدهای سنگینی که داشته‌اند هنوز نتوانسته انتظارات را برآورده کند. این یعنی لمبارد هم با وجود رابطه خوبی با ابراموویچ در خطر اخراج است.

حرفه‌ای او بود. او حالا مقابل یکی از مشهورترین تیم‌های اروپا در دروازه ایستاده بود. کلهر کارش را به شکلی عالی انجام داد. واکنش او روی ضربه نصیر مزراوی در نیمه اول خوب بود و شوت او را به بیرون فرستاد اما واکنش او روی ضربه سر کلاس- یان هونتلار، در فاصله سه دقیقه مانده به پایان مسابقه، بهتر هم بود. به این ترتیب او کلین‌شیت کرد و لیورپول را به دور بعد فرستاد. مشخص است که او مقابل ولوز هم به میدان خواهد رفت. کلهر با اعتماد به نفس بیشتری نسبت به آدرین به میدان رفت. او در کار با پا راحت بود و این شوی بود که دروازه‌بان سوم لیورپول با پیراهن شماره ۶۲ تبدیل به دروازه‌بان دوم این تیم شد. تعجبی نداشت که کلوپ سی دقیقه پایان مستقیم به سراغ او رفت. کلوپ بعد از بازی گفت: «او اینکوه او چقدر خونسرد بود و چقدر خوب، واقعاً راضی‌ام.» این همان چیزی است که مربی تیم در حال حاضر لازم دارد؛ اینکه همه بدرخشند، از ستاره‌ها گرفته تا ذخیره‌ها و جوانان. این فصل سختی است و برای عبور از آن نیاز به شجاعت و جرأت و همچنین توانایی و شانس است. به نظر می‌رسد که لیورپول در دو ماه اخیر در شرایط اضطراری قرار داشته اما آنها حالا به همراه تاتنهام در صدر جدول لیگ برتر هستند و از گروه‌شان در لیگ قهرمانان هم صعود کرده‌اند. قطعات قطار از جا درمی‌آیند اما قطار به حرکت ادامه می‌دهد. شاید همین برای لبخند کلوپ کافی باشد.

اخبار

پدر معنوی مارادونا از مرگ او بی‌خبر است

برادر کارلوس بیلااردو، مربی افسانه‌ای آرژانتینی که در جام جهانی ۸۶ آلبی سلسته با هدایت او و درخشش بی‌نظیر مارادونا قهرمان دنیا شد هنوز از مرگ شاگرد محبوبش دیگو خبردار نشده‌است. خورخه برادر کارلوس می‌گوید به زودی قراراست اسکار روجری از ستاره‌های آن جام و چند نفر دیگر از شاگردان بیلااردو به دیدار او رفته و این خبر تلخ را به اطلاعش برسانند. علت این است که کارلوس بیلااردو از نظر فیزیکی شرایط خوبی ندارد و در نتیجه نزدیکیانش به این نتیجه رسیده اند که مرگ دیگو مارادونا را از او مخفی نگه دارند. خورخه بیلااردو برادر کارلوس به روزنامه اوله در آرژانتین گفت: «مخفی نگه داشتن این خبر از کارلوس خیلی سخت است چون حتی بیست روز بعد هم خبر دیگو در تمام رسانه‌ها هست.» اما با گذشت چند روز از مرگ دیگو خانواده کارلوس بیلااردو به این نتیجه رسیده اند که با توجه به ادامه دار بودن انتشار خبرهایی در این باره مخفی نگه داشتن خبر برای مدت بیشتر غیرممکن شده. در نتیجه تصمیم خانواده این است که با حضور چند نفر از شاگردان کارلوس در جام جهانی ۸۶ مرگ دیگو به او اطلاع داده شود.خورخه بیلااردو در این باره گفت: «من با اسکار روجری از ستاره‌های جام ۸۶ صحبت کردم و او قرار است با دو سه نفر دیگر از بچه‌ها به دیدن کارلوس بیاید. باید ببینیم کارلوس چه واکنشی نشان می‌دهد و در نهایت چه می‌شود.» خانواده بیلااردو معتقدند حضور ستاره‌های جام ۸۶ می‌تواند از شدت غم و اندوه ناگهانی که با شنیدن خبر از دست رفتن دیگو به او وارد می‌شود بکاهد. کارلوس بیلااردو که این روزها ۸۲ساله است از چند سال پیش به بیماری سندروم آستام آدامز یا هیدروسنفالی مبتلا است و به صورت دائمی تحت نظر قرار داشته و مراقبت‌های پزشکی دریافت می‌کند. روزنامه اوله می‌گوید خانواده کارلوس برای جلوگیری از ناراحتی شدید او از خبر درگذشت دیگو چهارشنبه هفته گذشته تصمیم می‌گیرند تلویزیون او را قطع کنند. خانواده به بیلااردو می‌گویند کابل آنتن تلویزیون مشکل پیدا کرده است. اوله در گزارش خود می‌گوید بیلااردو در حال حاضر از تفلیکس است. خورخه بیلااردو در این باره به اوله گفت: «کارلوس حالش خوب است و دارد یک جان سالم به در برده. یک پیروزی در سانچیز پیسخوان و یک پیروزی در مقابل گلابداج رئال را به زندگی بر می‌گرداند.»

است و نوه‌هایش می‌توانند او را ببینند.» کارلوس بیلااردو علاقه بسیاری به دیگو مارادونا داشت و او را مثل پسرش می‌دانست. کارلوس در این باره گفته بود: «دیگو برای من مثل پسری است که نداشتم.» خورخه، برادر کارلوس بیلااردو در این باره گفت: «دیگو برای برادرم خیلی مهم بود. همسر دیگو همین اواخر چند بار به دیدن کارلوس آمده و رابطه او و دیگو فراتر از رابطه ساده بین یک مربی و بازیکن بوده.» با این اوصاف اسکار روجری از ستاره‌های آرژانتین در جام جهانی ۸۶ که به همراه چند نفر از هم بازی‌هایش در آن روزها که اشاره‌ای به نام شان نشده مأموریت دارند با حضور در خانه کارلوس بیلااردو این خبر تلخ را به اطلاع او برسانند، با ماموریتی دشوار مواجه هستند. آنها عملاً قرار است خبر مرگ پسر محبوب یک پیرمرد بیمار را به او اطلاع بدهند.

مسی نزدیک تر از همیشه به جدایی از بارسلونا

لیونل مسی تابستان گذشته با ارسال یک برفکس رسماً تقاضای جدایی از بارسا را مطرح کرد. فوق ستاره بارسا تصمیمش برای جدایی جندی بود ولی به دلیل مخالفت بارسا در درخواست بودی فسخ ۲۰۰ میلیون یورپی و از آنجا که دو طرف باید به جدل قضایی می‌رفتند، مسی عقب نشینی کرد و گفت که یک سال دیگر و تا پایان قراردانش ماندنی خواهد بود. گفته می‌شد او با سیتی به توافقاتی هم دست یافته بود. فروش مسی با رقمی بالا می‌توانست نتایج بخش بارسلونا باشد ولی جوزپ ماریا بارتموئو رئیس وقت نمی‌خواست فردی لقب بگیرد که در دوران مدیریت او مسی از بارسا جدا شده است. رونالد کومان سرمربی هلندی جدید بارسا هم اصرار به حفظ مسی داشت تا در نهایت جدایی او با اصرار باشگاه منتفی شود. کارلس توسکتس مدیر موقت بارسلونا امروز در جریان یک مصاحبه تصمیم مدیریت سابق بارسا را زیر سوال برد و صراحتاً گفت که بهتر بود مسی فروخته می‌شد. او با خبرنگاران گفت:«واگذاری مسی به یک باشگاه دیگر در تابستان می‌توانست از لحاظ اقتصادی بارسلونا را نجات دهد. اتفاقی که اگر رخ می‌داد از نظر من منطقی و معقول بود اما خوب، مشخص است که برای فروش بازیکنی چون مسی باید اهداف ورزشی و نظر کادر فنی را نیز مدنظر قرار داد. من بودم، مسی را می‌فروختم. لالیگا محدودیت‌هایی جدید برای سقف دستمزد در نظر گرفته که باید آن را رعایت کنیم. شرایط اقتصادی باشگاه بسیار بد است ولی جای امیدواری است که به رفته رفته بهتر شود.» اظهارات توسکتس همزمان شد با مصاحبه خوان لاپورتا نامزد ریاست بارسلونا در مورد مسی. او نیز تأکید کرد که از حالا نمی‌تواند قولی برای تمدید با مسی بدهد چون شرایط اقتصادی باشگاه بد است و نمی‌خواهد وعده ای بدهد که نتواند بقیامنده و او از ژانویه می‌تواند با باشگاه های مدنظرش وارد مذاکره شود. شب گذشته نیماز باقرزاد لیونل مسی با بارسا تنها چند ماه بعد از قرارداد لیونل مسی با بارسا تنها چند ماه بعد از ژانویه می‌تواند با باشگاه های مدنظرش وارد مذاکره کند و مسی بیاید یا اینکه بیاورد. ما نمی‌توانیم پول جذب نیماز را بدهیم و دستمزدش هم خیلی بالاست.»